

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## ما چه باید بکنیم؟

این خاطره‌ها را که می‌خوانید، خوب متوجه می‌شوید که رزمندگان چه فداکاریها، ایثارها و از خود گذشتگی‌ها کردند تا اسلام، نظام اسلامی، ایران و نوامیس مردم حفظ شود و دستخوش طمع‌ورزیهای دشمنان نشود. یعنی وضعی مثل عراق و افغانستان امروز پیدا نکنیم. این که چیز خیلی ملموس و روشن است.

روی مین رفتند، روی سیم خاردار خوابیدند، در آبهای خروشان و سرد اروند فرو رفتند، در برف و یخبندان غرب روی کوهها تحمل کردند، در صحراهای داغ جنوب تشنگی کشیدند، از زن و بچه؛ درس و دانشگاه، پُست و مقام، خانه و امکانات، شهرت و افتخارات گذشتند. سختیهای طاقت‌فرسا را تحمل کردند، زجر و درد زخمها و جراحیها را به جان خریدند که چه؟ امروز ما سرفرازی، عزت، پیشرفت، ایمان، آرامش، امنیت، تمامیت ارضی، استقلال و همه‌ی خوبیهایمان را مدیون همان از خودگذشتگی‌ها هستیم. ثمری از این بالاتر؟

امروز هم:

ما باید با روی علائق، وابستگی‌ها و هواهای نفسانی بگذاریم. ما باید نفس خود را روی سیمهای خاردار دنیاطلبی و عیش و عشرت و تجملات بیاندازیم.

ما باید مین‌های خودخواهی و خودبینی و زیاده‌طلبی را خنثی کنیم. ما باید جان و مال و عشیره و حزب و گروهان را روی مین‌های منور ذوب کنیم.

ما باید نام و نان و سابقه و خاصه‌خواریها و شهوات مادی و روحی را پای خاکریز اسلام و ولایت در مقابل رگبارها و خمپاره‌ها و گلوله‌های تانک دشمنان قرار دهیم، چرا؟

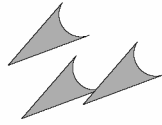
تا اسلام و نظام اسلامی بماند.

تا آسایش و آرامش و امنیت کشور حفظ شود.

تا دشمنان از دستیابی به اهدافشان نا امید شوند.

تا استقلال و عزت این ملت روزافزون شود.

آن‌گاه مَرَدِیم و رهرو راه شهدا، صالحیم و راه یافته به سرزمین اخلاص و بندگی، منتظر واقعی امام زمانیم و تابع نایب بر حق او. تو زبای بند شهوت به در آی تا ببینی طیران آدمیت



سیره‌ی شهدای دفاع مقدس

(۸)

# از خود گذشتگی

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

# سیره‌ی شهدای دفاع مقدس

(۸)

## از خودگذشتگی

گردآوری و تدوین: مؤسسه فرهنگی هنری قدرولایت

ناشر: مؤسسه فرهنگی هنری قدرولایت

نوبت چاپ: دوم ۱۳۹۱ □ تیراژ: ۵۰۰۰ جلد □ حروفچینی: ظریفیان

لیتوگرافی: نیما □ چاپ: صاحب کوثر □ صحافی: فرازاندیش سبز

حق چاپ محفوظ و مخصوص ناشر است

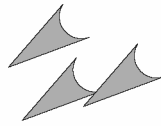
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۵-۱۰۸-۴ ISBN :978-964-495-108-4

شابک دوره: ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۵-۰۹۵-۷ ISBN :978-964-495-095-7

تلفن ۶۶۴۱۱۱۵۱ - ۶۶۴۶۹۹۵۸ شماره ۶۶۴۶۷۳۹۴

[WWW.ghadr110.ir](http://WWW.ghadr110.ir)

قیمت ۵۲۰۰ تومان



## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱۵	پیش گفتار.....
۲۱	مقدمه.....
۲۵	هدیه.....
۲۶	زیر شنی بولدوزر!.....
۲۸	مجبور به فرار شدند.....
۲۹	خبر شهادت پسر به پدر.....
۳۰	صدای خون.....
۳۱	خاکریز در میان گلوله ها!.....
۳۲	دغدغه ی نیروها.....
۳۴	چراغ روشن!.....

- ۳۵ ..... پایتان را روی پشت من بگذارید!
- ۳۶ ..... قلبی به وسعت دریا.
- ۳۷ ..... تعهد.
- ۳۸ ..... بوی نان و خون.
- ۴۰ ..... جوانمرد.
- ۴۱ ..... نقش به سزا.
- ۴۲ ..... دو پا را تقدیم اسلام کرده ام!
- ۴۳ ..... ما می رویم، هر که دوست دارد بیاید!
- ۴۵ ..... بشکه‌ها را نیمه شب، آب می‌کرد!
- ۴۸ ..... مرهون او هستیم.
- ۴۹ ..... جان فدا.
- ۵۰ ..... تو بمان، من می‌روم!
- ۵۱ ..... کت خود را باو بپوشاند!
- ۵۲ ..... دستمال مرطوب.
- ۵۳ ..... نگهبانی به جای من.
- ۵۴ ..... رضای خدا.
- ۵۵ ..... خمس فرزندان.
- ۵۶ ..... اهدای خون.
- ۵۷ ..... ماسک خود را به بچه‌ها داد!
- ۵۸ ..... هیچ کس این جا نماند.
- ۵۹ ..... در جستجوی برادر.
- ۶۱ ..... پشت فرمان نشست!

- آن قدر ماند تا به شهادت رسید! ..... ۶۲
- من می مانم تا شما به سلامت برگردید ..... ۶۳
- ماند تا جلوی عراقیها را سد کند! ..... ۶۴
- حقوقش را به فقرا می داد ..... ۶۶
- همه ی آنها را فراری داد ..... ۶۷
- در محاصره ی دشمن ..... ۶۹
- آب های گلگون ..... ۷۲
- سودای پیوند ..... ۷۳
- به سوی بهشت ..... ۷۵
- شیر خرمشهر ..... ۷۶
- دست قطع شده ..... ۷۷
- اثری ارزنده از عشق ..... ۷۸
- بی قرار ..... ۸۰
- پاهای برهنه ..... ۸۲
- کجا بروم؟ ..... ۸۳
- بهترین معبر ..... ۸۴
- رهسپار ..... ۸۵
- دست مصنوعی ..... ۸۷
- چند تکه استخوان! ..... ۹۱
- بادگیر خونین ..... ۹۲
- عینک آفتابی ..... ۹۳
- اول دیگران! ..... ۹۵

- داوطلب ..... ۹۷
- غیرمنتظره ..... ۹۸
- آخرین نفر ..... ۱۰۰
- به دنبال بیکرها ..... ۱۰۱
- سنگ چین تا قلب دشمن! ..... ۱۰۳
- خواست پیشروی را ادامه دهم! ..... ۱۰۵
- عاقبت خودش جا ماند ..... ۱۰۸
- پرواز با دو بال ..... ۱۱۰
- تا آخرین نفس ایستاد ..... ۱۱۱
- خودشان را روی نی ها پرتاب می کردند! ..... ۱۱۳
- گواه فداکاری ..... ۱۱۴
- ققمه ی آب ..... ۱۱۵
- دست های تاول زده ..... ۱۱۶
- ده در مقابل صد ..... ۱۲۰
- پشت سیم خاردارها ..... ۱۲۱
- آخرین لحظه ی دیدار! ..... ۱۲۲
- گل های پرپر ..... ۱۲۳
- خدمت واقعی ..... ۱۲۵
- به سوی هور ..... ۱۲۷
- معرفی خود برای نجات دیگران! ..... ۱۲۸
- نگهبانی ..... ۱۲۹
- سه میه ی حج ..... ۱۳۰



- ۱۳۱ ..... تنها یک پتو.....
- ۱۳۲ ..... جان فشانى .....
- ۱۳۳ ..... تشنه اما سیراب .....
- ۱۳۴ ..... پيش مرگ .....
- ۱۳۵ ..... مثل او.....
- ۱۳۶ ..... جيره ی آب .....
- ۱۳۷ ..... لباس های خيس .....
- ۱۳۹ ..... ودیعه های امام.....
- ۱۴۰ ..... بادگیر ضدّ شیمیایی.....
- ۱۴۲ ..... من سالم هستم!.....
- ۱۴۳ ..... زیر آب ماند تا عملیات لو نرود .....
- ۱۴۴ ..... پاس اول .....
- ۱۴۶ ..... بهانه ها .....
- ۱۴۷ ..... اگر بمانید .....
- ۱۴۹ ..... زخم راننده را ببند! .....
- ۱۵۰ ..... پرواز .....
- ۱۵۱ ..... امر واجب .....
- ۱۵۲ ..... من حتماً باید بروم .....
- ۱۵۴ ..... از فرزندم گذشتم! .....
- ۱۵۸ ..... خدا را شکر می کرد!.....
- ۱۶۰ ..... مثل ابراهيم (عليه السلام).....
- ۱۶۱ ..... چشم های بسته .....

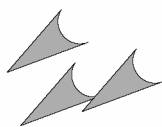
- ۱۶۲..... شناسایی
- ۱۶۳..... از خود گذشته
- ۱۶۴..... فریاد یا زهرا
- ۱۶۶..... چیزی نیست
- ۱۶۷..... اول او را ببرید
- ۱۷۰..... خداوند مرا با این خاک‌ها بپذیرد
- ۱۷۱..... تاولهای کف پا
- ۱۷۳..... بدون وداع
- ۱۷۴..... آثار سوختگی روی استخوانها!
- ۱۷۵..... همین فردا
- ۱۷۶..... ساک سفر
- ۱۷۹..... زیر آتش دشمن
- ۱۸۰..... وقف جبهه
- ۱۸۱..... پاکباخته
- ۱۸۲..... هنوز خودم ندیدم!
- ۱۸۳..... مراسم عقد و ازدواج
- ۱۸۴..... شادی ما به اینها نیست
- ۱۸۵..... شهادت را انتخاب کرد
- ۱۸۷..... هر چه در توان داریم
- ۱۸۹..... چرا این قدر نارنجک گرفتی؟
- ۱۹۰..... به تنهایی در برابر سپاه عراق!
- ۱۹۲..... برای نجات خدمه‌ی تانک

- ۱۹۳..... قید همه چیز را می‌زند
- ۱۹۴..... از هر دو گوشش خون جاری بود
- ۱۹۵..... حالا چهار طرفت کبابی شده!
- ۱۹۷..... جنگ بین نفس و عشق
- ۲۰۲..... آلان زمان جبران است
- ۲۰۴..... می‌خواهی دل بکنی؟
- ۲۰۵..... ماهها مرخصی نمی‌رفت
- ۲۰۷..... اگر سر برود چه؟
- ۲۰۹..... خودش برای شناسایی می‌رفت
- ۲۱۱..... از فرط خستگی
- ۲۱۳..... پس این پاسدارها چی؟
- ۲۱۴..... بقیه‌ی پول فرش را آورد!
- ۲۱۶..... من به جای نگهبانی می‌دهم!
- ۲۱۸..... چطور با جنازه‌ی برادرم برگردم؟
- ۲۲۰..... از ازدواج او یکماه گذشته بود!
- ۲۲۱..... پاهای همه آبله زده
- ۲۲۳..... فکر می‌کردی از آن دنیا فرار کرده‌اند!
- ۲۲۵..... بدون این که فکر کند، رفت
- ۲۲۸..... ما دو نفر در دل دشمن بودیم!
- ۲۳۱..... بچه‌ی شما متأسفانه مُرد!
- ۲۳۳..... تا سقوط دشمن
- ۲۳۴..... از گوش‌هایش خون جاری بود

- ۲۳۵..... با وجود جراحت شدید.....
- ۲۳۶..... این پول را داده‌اند تو را بکشم!
- ۲۳۷..... پشت ماشین مهمات پرید و ..
- ۲۳۸..... اگر جای من بودی چه می‌کردی؟
- ۲۳۹..... حرکت روحیه‌بخش.....
- ۲۴۰..... کفشها را مرتب می‌کرد و ..
- ۲۴۱..... خودش آریبی جی را بر دوش گرفت!
- ۲۴۳..... هنوز سرم مانده!
- ۲۴۴..... چندین بار در جبهه مجروح شد اما باز ..
- ۲۴۵..... یک عراقی از رویم رد شد!
- ۲۴۶..... خودش را فدای دو گردان می‌کند.....
- ۲۴۷..... عراقی‌ها دستم را قطع کردند!
- ۲۴۸..... با همان مجروحیت، جلو رفت ..
- ۲۴۹..... آخرین کسی بود که عقب‌نشینی کرد ..
- ۲۵۰..... مهمتر از جان خودش!.....
- ۲۵۱..... به حالت درازکش، گزارشها را می‌خواند!
- ۲۵۲..... مرتب کاری می‌کرد.....
- ۲۵۳..... هرگز بر نمی‌گردم.....
- ۲۵۴..... رزمندگان به آن بیشتر احتیاج دارند.....
- ۲۵۵..... خود را روی مین‌ها انداخت ..
- ۲۵۶..... قبول نکرد به عقب برگردد.....
- ۲۵۷..... دو چشمه خون.....

- ۲۵۸.....کجا را دارم که بروم؟
- ۲۶۰.....از سرما تمام بدنش می لرزید.
- ۲۶۲.....رخنه در قلب مواضع دشمن.
- ۲۶۳.....دیگر صدایی نمی شنید.
- ۲۶۵.....انگار دوش گرفته اند.
- ۲۶۷.....نقش مهم در عملیات بیت المقدس.
- ۲۷۰.....حمل مهمات.
- ۲۷۱.....چرا تیراندازی نمی کنید؟
- ۲۷۳.....با بیل خاکریز را کنار زد!
- ۲۷۵.....شلیک ۲۰۰۰ گلوله خمپاره!
- ۲۷۷.....همگی ما را نجات داد.
- ۲۷۸.....نه! شما بروید.
- ۲۷۹.....در گل و لای، وسایل را بیرون کشید.
- ۲۸۰.....لحظه ای از حرکت باز نایستاد.
- ۲۸۲.....به تمام ظواهر زندگی پشت پا زده بود.
- ۲۸۴.....معبر باید باز شود.
- ۲۸۵.....تا آخرین لحظات.
- ۲۸۷.....پس نمی گیرم!
- ۲۸۸.....سبقت در میدان مین.
- ۲۸۹.....نجات دو مجروح در زیر آتش.
- ۲۹۰.....تمام خط را اداره می کرد.
- ۲۹۱.....سربازی مطیع.

- ۲۹۲..... چشم‌های بی‌خواب
- ۲۹۳..... مدارک را نگه دارم که چی؟
- ۲۹۴..... دعا کردم تو خوب بشی
- ۲۹۵..... تعزیه گردان معرکه‌ی نبرد
- ۲۹۶..... نفوذ در بین ضدانقلاب کردستان
- ۲۹۹..... تنها میان تانکهای عراقی
- ۳۰۲..... دیگر نمی‌آیم
- ۳۰۴..... لنگ‌لنگان جلو می‌آمد
- ۳۰۶..... ایستادگی و پایمردی
- ۳۰۷..... همراه
- ۳۰۸..... محاصره
- ۳۰۹..... مگر بچه‌ها مُردن؟
- ۳۱۰..... با بدن خشک شده، بیرون نمی‌آمد!
- ۳۱۳..... آرامش نداشت
- ۳۱۴..... باقیمانده‌ی حقوق
- ۳۱۵..... منابع



### پیش گفتار

خاطرات دفاع مقدس غالباً در پاکترین لحظات زندگی صاحبان خاطره رخ داده، لذا شایسته است آن لحظه‌های غنیمت ثبت و منتشر شود. آن لحظه‌ها، همان حلقه‌هایی است که بشر سردرگم امروز را می‌تواند به "صراط‌الذین انعمت علیهم" که مصداق کامل آن ائمه‌ی معصومین علیهم السلام هستند، واصل نماید.

صاحبان خاطرات دفاع مقدس ثابت کردند که می‌شود پس از هزار و چهار صد سال سرکوب اسلام، به رهنمود خلیفه‌الله ساز خلیفه‌ی به حق خدا حضرت علی علیه‌السلام جامه‌ی عمل پوشاند که فرمود: **أَعِينُونِي بِوَرَعٍ وَاجْتِهَادٍ وَعِفَّةٍ وَسِدَادٍ**.  
با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی‌مرا‌یاری دهید. (نهج‌البلاغه/نامه ۴۵)

وقتی مربی مردان دفاع مقدس، بزرگمردی است که با پرهیز از پا گذاشتن بر روی کفش طلاب در هنگام ورود به حجره‌ی تدریس، از مویرگ ظلم دوری می‌کند، بالطبع محصول این مکتب روح الهی باید مردانی باشند که در لحظات اضطراری ورود به میدان مین، پیراهن از تن به در کنند که؛ اگرچه ما رفتنی هستیم، اما چرا لباس بیت‌المال تکه‌تکه شود!

آنان اثبات کردند؛ می‌شود سیره‌ی جهاد اکبر و اصغر را توأم با هم در صورت جوان قرن بیستم متجلی کرد. به شرط آن که با عمل و نه زبان تنها (کونوا دعاة الناس بغير السننکم) به اسلام دعوت شده باشند.

مجموعه کتب سیره‌ی شهدای دفاع مقدس، حاوی گلچینی از خاطرات راویان در خصوص آن سفر کردگان دیار هستی است که در طول سال‌های گذشته توسط ناشران مختلف به زیور طبع آراسته شده است.

انگیزه‌ی مؤسسه‌ی فرهنگی هنری قدر ولایت از انجام این پروژه اهداف زیر است:

۱- بسیاری از کتب دفاع مقدس در سالهای گذشته و تنها برای یک بار به چاپ رسیده و در همان سال‌ها نیز عرضه شده است. لذا مخاطبین امروز از دستیابی به آن کتب و خاطرات محرومند. در حالی که اهمیت آن به دلیل نزدیکی نقل خاطره به زمان رویداد، بیشتر از خاطراتی است که هم‌اکنون نقل می‌شود.



این پروژه با جستجوی کتب مذکور، بخش عظیمی از خاطرات ناب شهیدان گرانقدر را دوباره احیا نموده و ماندگار کرده است.

۲- خاطرات دفاع مقدس دستمایه‌ای متعالی و فوق‌العاده مستعد برای خلق آثار ادبی و هنری از جمله داستان، نمایشنامه، رمان، شعر، فیلمنامه و غیره است. گزینش خاطرات خوب و نیز دسته‌بندی موضوعی آن، ادبا و هنرمندان و نیز پژوهشگران این عرصه را از جستجوی زمان‌بر و نامنظم بی‌نیاز کرده است.

۳- شهدای گرانقدر دفاع مقدس با تمسک به آیه‌ی شریفه‌ی «لقد کان لکم فی رسول الله اسوه حسنه» نزدیک‌ترین افراد به خلق و خوی محمدی صلی الله علیه و آله و سلم بودند. لذا اهل منابر و مربیان تربیتی برای اتصال آسان جامعه به سیره‌ی نبوی، می‌توانند از خاطرات شهدا به عنوان شاهد مثال بهره‌برداری نمایند.

مهمترین وجه امتیاز خاطرات مذکور، به روز بودن آن و نیز امکان قوی همذات‌پنداری مخاطب با شهدای معاصر است. این کتب، امکان انتخاب خاطرات ناب، موجز و موضوعی را برای صاحبان کرسی‌های موعظه آسان کرده است.

۴- زنده نگه داشتن یاد و خاطره شهیدان- به فرموده‌ی رهبر معظم انقلاب اسلامی- کمتر از شهادت نیست، چرا که راه و رسم شهادت، راه عزت و نجات از اسارت نفس و استکبار است. و ما که از قافله عقب مانده‌ایم و مهجور از عند ربهم یرزقون، بدین وسیله ادای دین می‌کنیم. باشد که مقبول افتد.

۵- از شهیدان دفاع مقدس معمولاً بعد حماسی آنان بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. جنبه‌های لطیف که حکایت از روح بلند و منش و طبع کریمانه و رعایت نکات ظریف در زوایای مختلف زندگی فردی و اجتماعی آنان دارد، کمتر انعکاس پیدا کرده. نگاه این مجموعه بیشتر معطوف همین مسئله است.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت در راستای اهداف ذکر شده، از اواخر سال ۱۳۸۶ ابتدا پیرامون این طرح، مطالعات شناختی را آغاز کرد و از میان موضوعات مختلف اخلاق فردی و اجتماعی، به ۳۰ موضوع که از عمومیت بیشتری در بین رزمندگان اسلام برخوردار بود رسید.

سپس کار فیش برداری در خصوص موضوعات آغاز شد. فیش برداران ارجمند طی تلاشی شش ماهه قریب غالب کتاب‌های دفاع مقدس چاپ شده تا این را تاریخ بررسی کردند تا به خاطراتی دست یابند که؛ ۱- فقط درباره‌ی شهدای دفاع مقدس باشد. ۲- خاطره باشد و نه گونه‌های ادبی دیگر ۳- از جذابیت لازم برخوردار باشد ۴- با اهداف یاد شده متناسب باشد.

از میان کتابهای مورد بررسی، تمام خاطراتی که به دلیل تبدیل به گونه‌های دیگر ادبی دچار ضعف استناد شده بودند و نیز خاطراتی که جاذبه‌ی لازم را نداشتند و یا در خصوص شهدا نبودند، از دور خارج شد.

در مرحله‌ی بعدی فیش‌ها جهت تأیید مجدد بازخوانی شدند.

سپس هر فیش با توجه به موضوع آن در پوشه‌ی مخصوص خود طبقه‌بندی گردید.

مراحل بعدی کار؛ حروف چینی، ویرایش، تهیه فهرست موضوعی و اعلام بود که یکی پس از دیگری انجام شد.

سپاسگزاری می‌کنیم از تمام حامیان این طرح که آن را بر خود فریضه دانسته و در مراحل مختلف آن مشتاقانه یاری‌رسان بودند.

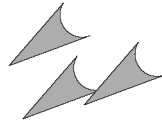
و کسانی که در دریای فضایل و زیبایی‌های شهیدان غوطه خوردند، درّ از صدف‌ها جستند و خود به لیست گمنامان دفاع فرهنگی از انقلاب اسلامی و راه شهیدان پیوستند.

و شما خواننده‌ی گرامی، به خاطر حسن سلیقه و انتخابتان.

امیدواریم این اقدام فرهنگی مرضی رضای حقتعالی و شهدای عزیز قرار گرفته و همه‌ی ما مشمول توفیقات الهی و شفاعت مردان بزرگ تاریخ انقلاب اسلامی که خاطرات زیبا و نام بلند آوازه‌شان در این کتب ثبت گردیده، باشیم. ان شاءالله.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت





## مقدمه

ایثار، در لغت به معنای عطا کردن و دیگری را بر خود ترجیح دادن است. ایثار، یعنی ندیدن و به حساب نیاوردن خود. (۱) از خود گذشتگی آنگاه در کمال مطلوب است که برای ایده و هدفی بلند و والا و مقدس انجام شود. فداکاری زمانی واقعی و حقیقی است که انسان با اعتقاد به خداوندگار عالم هستی و نگاه به ابدیت انسان در پیشگاه حق تعالی، از جان و مال و آبروی خود بگذرد. این از خود گذشتگی، فداکاری و ایثاری است که در اسلام ارزشی والا و مقدس است و هر آن که در این راه کشته شود شهید است و شهید زنده است و نزد پروردگارش بهترین روزی و شادترین حالات را دارد. (۲)

---

۱ - رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶/۲/۱۷.

۲ - سوره آل عمران، آیات ۱۷۱-۱۶۹.

امام صادق علیه السلام فرمودند: انَّ من حقیقة الایمان انَّ تُؤثِرَ الحقَّ و انَّ ضَرَّكَ علی الباطلِ و انَّ نَفَعَكَ (۱) بدرستی که حقیقت ایمان آن است که حق را بر باطل ترجیح داده و برگزینی، اگرچه حق به زبان تو و باطل به نفعت باشد.

واضح ترین جناح حق بر علیه باطل را در جنگ هشت ساله شاهد بودیم. کدام عمل، فداکارانه تر و ایثارگرانه تر از حضور در جبهه های دفاع حق علیه باطل در طول هشت سال دفاع مقدس، بود؟ رزمندگان می توانستند همچون برخی نفوس خودخواه و راحت طلب و بعضی عناصر بی مسؤولیت، در راحت زندگی و میان خانواده ی خود باشند و دستی در این میدان آزمایش و تجلّی درخشندگی ها نداشته باشند. اما آنان از خود و هر آنچه متعلق به آنان بودند یعنی از آسایش، خانواده؛ تحصیل، درآمد و سلامت خود گذشتند، اسلام، عزّت و مصالح مردم را برگزیدند و بزرگوارانۀ بدون هیچ توقعی، تنها برای جلب رضایت حق تعالی و ولی عصر (عج) و امام امت، همه را فدا کردند. رزمندگان مصداق کامل از خودگذشتگی و ایثار بودند و عقبه ی ایثار، خانواده معظم آنان بودند که بر کمبودها و نبودها و خسارتها و جانبازیهای فرزندان و همسران و پدران خود صبوری پیشه کردند.

صحنه های دفاع مقدس، از این لحظه های ناب، درخشان، زیبا و

برجسته فراوان داشته است. رزمنده‌ای که داوطلبانه در میدان مین می‌رفت تا راه برای بقیه باز شود و خسارت کمتر گردد. رزمنده‌ای که روی سیمهای خاردار می‌خوابید تا دیگر مجاهدان به سرعت از روی او و سیم‌های خاردار بگذرند و دشمن را غافلگیر کنند. رزمنده‌ای که زخم عمیق خود را پنهان می‌کرد و درد جانفرسا را تحمل می‌نمود تا دیگر رزمندگان با روحیه‌ی قویتر عمل کنند. صدها و هزاران نمونه از این فداکاری‌ها و ایثار در تاریخ هشت ساله‌ی دفاع مقدس ثبت شده است و ما قطره‌ای از این عظمت و بزرگی را در این مجموعه گرد آورده‌ایم تا یاد آن عزیزان را پاس داریم و جانمان را از اینهمه وابستگی به خود و خودخواهی و خودبینی و منفعت‌طلبی وا رهانیم. ان شاءالله

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت